

جبهه ملی ایران در ادوار گوناگون به روایت یک پژوهش تشکیلی که به مرور کوچک شد

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک می‌رود، جبهه ملی ایران را در ادوار گوناگون حیات آن، به روایت و تحلیل نه‌شسته است. این پژوهش توسط سعید صدقی پور انجام شده و مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، آن را روانه بازار نشر ساخته است. ناشر در دیباچه خویش بر این مجموعه، در باب محتوای آن می‌نویسد: «بره‌های مختلف تاریخ ایران، شاهد ظهور گروه‌های سیاسی متعدد بوده است که در فرایند تحولات نقش مهمی داشته‌اند. هم‌زمان با جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران، جبهه ملی به عنوان یکی از تشکل‌های فراگیر، به مدد حمایت نیروهای مذهبی، توانست نقش ویژه‌ای در تحولات سیاسی آن زمان ایفا کند، اما با آغاز نهضت شگفت‌انگیز امام خمینی(ره) و قیام ۱۵ خرداد، مداری سیاسی با سرن رزم دیکتاتور پهلوی، جی خود را به مبارزه غیرمسلحانه‌آميز و براندازانه داد. در چنین اوضاع و احوالی، مجالی برای خودنمایی جبهه‌های ملی چندگانه وجود نداشت. رهبران و اعضای محافظه‌کار جبهه ملی، صرفاً درصدد حفظ و ایجاد توازن پُرای خود در فضای سیاسی کشور بودند و عملاً تأثیری در تحولات نداشتند. با رشد فزاینده انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، چاره‌ای جز تعامل با امواج انقلابی برای رهبران جبهه ملی باقی نمانده بود. پس از پیروزی انقلاب و اعطای قدرت سیاسی به بازگان در پست اولین نخست‌وزیر انقلاب اسلامی، جمعی از اعضای جبهه ملی نیز در کابینه حضور یافتند. به مرور زمان هم جبهه ملی و هم لیبرال‌های نهضت آزادی، متوجه شدند قادر به پاسخگویی به نسل انقلابی نیستند، در نتیجه از صحنه سیاست



۷ بهمن ۱۳۵۷، کریم سنجایی و محمود مانیان در حاشیه دیدار با امام خمینی(ره) در مدرسه علوی

کناره‌گیری کردند، اما جبهه ملی به جای درک درست از شرایط سیاسی کشور و هماهنگی با انقلاب اسلامی، راه مخالفت را در پیش گرفت و به یکی از گروه‌های جبهه‌متحد ضدانقلاب در سال ۱۳۶۰ تبدیل شد و در نهایت با رویایی سراب‌گونه، به مخالفت با لایحه قرآنی قصاص برخاست که از سبوی رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام خمینی(ره)، یک گروه مرتد‌خوانده شد و رو به اضحلال رفت. در پایان ضمن تشکر از آقای سعید صدقی پور مؤلف محترم این کتاب، از زحمات آقایان دکتر اکبر اشرفی معاون محترم پژوهشی، علی کردی مدیر محترم بخش تحقیق و ابوالفضل صدقی و محمدرضا طاهری مقدم مدیر و کارشناس محترم گروه تاریخ و روابط خارجی و نیز از همکاران محترم معاونت انتشارات قدردانی می‌شود...» مؤلف نیز در مقدمه خود بر این کتاب، ترتیب طرح مطالب در آن را اینگونه تشریح کرده است: «ملی‌گرایی و علاقه‌مندی به میهن و سرزمین، از آغاز تاریخ مورد توجه انسان بوده است، اما در دوره معاصر این امر، به صورت یک ایدئولوژی درآمده و گاهی به صورت افراطی مورد توجه متفکران و اندیشمندان قرار گرفته است. این اثر بر آن است تا علل شکل‌گیری جبهه ملی در ایران را بررسی کند و به رابطه این جبهه با رهبران مذهبی و توده مردم بپردازد. گرچه محدوده زمانی این پژوهش از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۰ است، اما امالی گرایي در ایران در دوران گذشته و فعالیت جبهه ملی، پس از سال ۱۳۶۰ نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. در بخش اول، ابتدا مفاهیم اصلی از قبیل تعریف ملی‌گرایی، تاریخ ملی‌گرایی، اسلام و ملی‌گرایی و ملی‌گرایی در ایران و در ادامه تشکیل اولین جبهه ملی تا حوادث ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بررسی می‌شود. در بخش دوم به اقدامات جبهه ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد، نهضت مقاومت ملی، جبهه ملی دوم و جبهه ملی سوم پرداخته شده است. در بخش سوم جبهه ملی ایران از انقلاب اسلامی تا فروپاشی، تحت عنوان نحوه تشکیل جبهه ملی چهارم، جبهه ملی و دولت موقت و علل ناکارآمدی جبهه ملی بررسی شده است. در پایان نیز مواضع و دیدگاه‌های جبهه ملی ایران و مباحث مهمی چون جبهه ملی و سکولاریسم، لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد، انقلاب اسلامی و ملی‌گرایی، از دیدگاه امام خمینی(ره) مورد توجه قرار گرفته است...»

■ **انوشه میرمرعشی**

روزی که دانشجویان مسلمان پیر و خط‌امام(ره) و پناه‌دادن به شاه، می‌خواستند چند ساعتی سفارت‌تخانه ایالات‌متحده را اشغال کنند، هرگز تصورش را هم نمی‌کردند یا صحنه سوزاندن اسناد، توسط کارکنان به وحشت‌افتاده آن مواجه شوند. مدتی بعد از انتشار و بازپایی اسناد سالم و خردشده توسط دانشجوین، بر همگان معلوم شد که آنچه‌یک سفارت‌تخانه که مرکز دخالّت و مهره‌چینی بوده است و اینکه آن اسناد، گنجینه‌ای از مدارک معتبر سیاسی است که پرده از جنایات‌ها و خیانت‌های کشور مستکبر امری به عوام‌ل و مزدوران داخلی‌اش برمی‌دارد. در مقال پی آمده، در میان انبوه اسناد لانه جاسوسی، کنکاش مختصری داشته‌ایم با موضوع رویکرد و عملکرد گروه‌های تجزیه‌طلب کرد و حامیان آنها، امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

■ **قوم کرد در طول تاریخ**

مردمناسنان قوم «کرده» را از اقوام اسیل ایرانی می‌دانند که در طول زمان، در پهنه‌ای از فلات غربی آسیا پراکنده شده‌اند. فردوسی در شاهنامه دلیل پراکندگی آنها را فرار ایشان از ظلم و ستم ضحاک و پناه بردن‌شان به کوهستان‌های دور بیان می‌کند. اما برخی مورخان معاصر، دلیل آن را مربوط به جنگ چالدران و به دست عثمانی‌ها افتاد. قبل از اسلام اغلب کردها زرتشتی بودند، ولی پس از آن، همگی مسلمان شدند. اکثریت کردها، از اهل سنت و شافعی مذهب هستند، اما در میان ایشان، شیعه ۱۲ امامی و علوی هم وجود دارد. بیشتر کردهای شیعه، در ایران زندگی می‌کنند و بخش اندکی از کردهای علوی، در ترکیه و بیشتر آنها در سوریه به سر می‌برند.^(۱)

یکی از اسناد لانه جاسوسی درباره پیوند تجزیه‌طلبان کرد با حزب خلق مسلمان آورده است: «دو هلیکوپتر حامل داوطلبان، از تبریز به عازم منطقه شده بودند و داوطلبان به مدعی پشاده شدن از هلیکوپتر، به اسارت در آمدند. اسیرکنندگان کرد از داوطلبان پرسیدند که آیا آنها طرفدار شریعتمداری هستند یا خیینی؟ آنها بی که خود را پیرو شریعتمداری معرفی کردند، آزاد شدند و آنها بی که خود را طرفدار خمینی معرفی کردند، کشته شدند...»



مرداد۱۳۵۸، نمایانریکی از مراکز پژوهشی شهرپاره در دوران جاسوسانوسفا حزاب موثران و نویله



به طور قطع اکثریت مردمان کرد ایران، چه از اهل سنت و چه شیعه، نه در آن دوره و نه امروز، هیچ دلبستگی‌ای به گروهک‌های تجزیه‌طلب نداشته و ندارند. سسند اثبات این موضوع هم، شهدای فراوان پیشمرگ مسلمان کرد است که ردپای آنها را می‌توان در کتاب‌هایی چون «فریاد آزادی» خاطرات علی کلوندی، «عصرهای کریسکان» خاطرات امیرسعیدزاده، «طلایه دار معرفت» زندگینامه شهید ملا مصطفی مردوخ‌ی و «یاوران انقلاب» زندگینامه شهدای ایل منگوری به عیان دید

عملکرد و مواضع تجزیه‌طلبان کرد، در آینه اسناد لانه جاسوسی امریکا

سفارتخانه‌ای به مثابه

ستاد فرماندهی جدایی‌طلبان!

■ **جاسوسان شیطان بزرگ در کردستان**

با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی، گروه‌های جهادی برای خدمت‌رسانی به مناطق محروم کشور، از جمله مناطق کردنشین عازم شدند. از آن طرف مردم کرد، به دلیل رنج‌های زیادی که در دوران پهلوی کشیده بودند و محرومیت از سادترین امکانات، از یک طرف با جوانانی مواجه بودند که برای خدمت‌رسانی بهداشتی، آموزشی و عمرانی به شهرها و روستاهای مختلف کردستان آمده بودند و از طرف دیگر، با دو گروه کومله و حزب دموکراتی مواجه بودند که به آنها وعده آبادانی و خوشبختی بعد از خودمختاری کردستان را می‌دادند! پس در این میان بخشی از مردم متدین کردستان، جذب جوانان انقلابی و در نتیجه جذب نظام جمهوری اسلامی شدند و بخشی هم، با باور کردن وعده‌های ضدانقلاب به صف آنها پیوستند، البته گروهی هم با صبر منظر مانند‌ای تابیدند، در طول زمان کدام یک از این دو جریان، واقعاً برای خدمت و آبادانی در کردستان فعالیت می‌کنند.

جالب است که دقیقاً در همان زمان، سفارت امریکا در تهران، شروع به گزارش‌گیری از عناصر جاسوس و تجزیه‌طلب کرد، در برای فهم وضعیت اجتماعی مناطق کردنشین و چوسپاسی حاکم بر آذهان مردم آن منطقه می‌کرد. مثلاً در میان اسناد لانه جاسوسی، سندی به تاریخ ۱۱ خرداد۱۳۵۸ش، دیده می‌شود که در آن فردی به نام «همایون روشنی‌مقدم» با نام‌رمز اس‌دی. ترازیت‌ا، به عنوان گزارشگر سفارت‌تخانه امریکا به تشریح وضعیت مناطق کردنشین می‌پردازد. وی پیش از انقلاب، در امریکا به تحصیل مشغول بوده و پس از فارغ‌التحصیل شدن و پیش از آنکه عازم ایران شود، آموزش‌هایی در سازمان «سیا» دیده بوده است.^(۲) با فرارسیدن مرداد ماه سال ۵۸، هزاران نفر از عناصر ضدانقلاب همچون کومله، حزب دموکرات کردستان، تعدادی از عناصر ساواکی و سلطنت‌طلب با همراهی



توسط دانشجویان مسلمان پیرو خطا امام یازاری اسناد لانه جاسوسی امریکا

چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) به رهبری اشرف دهقانی و حتی تعدادی از عناصر حزب بعث عراق، به شهر پاره حمله کردند. آنها پس از تصرف شهر، علاوه بر سرقت اموال دولتی و آتش زدن مغازه‌های مردم، دست به اقدامات فجیحی همچون ترور و قتل شخصیت‌های بومی موافق نظام جمهوری اسلامی، پاسداران و نیروهای جهادسازندگی زدند.^(۳)

■ **توهمات سند شده**

گفتنی است جنایات‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب با حمایت عناصر مسورد حمایت اسرائیل انجام می‌شد. چنانچه منیر عزری – سفیر اسرائیل در تهران – در ساره فعالیت‌های دوست قدیمی‌اش سپهبد پالیزبان، در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «در پی رخداد‌های سسال ۱۹۷۹م، چند ماهی سپهبد عزیزالله پالیزبان میان ترکمن‌ها و کردها به این در و آن در زد و توانست کاری از پیش ببرد. سرانجام او از مرز ترکیه گریخت، به ایتالیا رفت و با شاپور بختیار (آخرین نخست‌وزیر شاه) به همکاری پرداخت. پس از چندی به عراق رفت و کوشید با یکدست کردن ایل‌های کرد و لر و ترکمن و بلوچ و گریختگان از جنگ انقلابیون، ارتشی چند هزار نفری پدید بیاورد و کار را یکسر کند.»^(۴)

جالب است در میان اسناد لانه جاسوسی، سندی وجود دارد که دقیقاً این مطلب را تأیید می‌کند؛ سندی که ایضاً نشان از توهمات خنده‌دار ضدانقلاب هم دارد. این سند که در تاریخ پنجم مرداد ۱۳۵۸ش، توسط سرهنگ شیفر از وابستگان نظامی امریکا در ایران تهیه شده، حاوی اطلاعاتی درباره نقش فرینی سپهبد پالیزبان –عصر وابسته به اسرائیل– در غائله کردستان است: «هدف کنونی کردها محدود به یک خودمختاری برای ایرانیان کرد نمی‌شود، بلکه هدف آنها سرنگونی دولت کنونی و برپایی دولتی مسئول تر و مردمی‌تر که شامل روحانیت قم نباشد، است. هیچ منبع دیگری این را که کردها چیزی غیر از خودمختاری بیشتر می‌خواهند، تأیید نکرده است... یک تاجر ایرانی کردی‌الاصل به وابسته نظامی گفته است که درگیری کنونی کردها در غرب ایران، مسئله ساده‌ای مبنی بر به دست آوردن خودمختاری برای کردها و همچنین مزایای بیشتر از دولت موقت ایران نیست، بلکه او گفت هدف آنها سرنگونی رژیم کنونی ایران، به سرکردگی خمینی است. او گفت که ژنرال پالیزبان رهبر جنبش کردهاست و او فقط ۵۰۰ هزار پیرو در تهران دارد. او اضافه کرد که درگیری‌های کردستان و آذربایجان غربی، فقط یک شروع است و در عرض دو ماه ضدانقلاب از تهران آغاز خواهد شد. او گفت که خانواده‌اش را طسی چند روز، به خارج از ایران می‌فرستد و خود برای جنگیدن خواهد ماند و کاملاً آماده است که جان خود را فدا کند تا ایران را از شر دولت تحت کنترل آیت‌الله نجات بخشد... او گفت که نه تنها ایرانیان طبقه متوسط از دست خمینی و مل‌های احمقش به تنگ آمدند، بلکه خیلی از افراد طبقه بی‌ بضاعت هم کاملاً از اوضاع کنونی ایران مأیوس شده‌اند. او گفت که خمینی پایگاه تود‌های‌اش را از دست داده است و طرفداران او کمتر از ۳۰۰ درصد هستند. او اضافه کرد که گذشته از این‌ها خمینی هیچ کار حمایتی را که راهپیمایی‌های مردم در قبل از انقلاب نمایانگر آن بودند، نداشته است، زیرا اغلب مردم برای انجام راهپیمایی‌ها پول گرفته بودند.»^(۵)

این سند گرچه عیان‌کننده ارتباط گروهک‌های تجزیه‌طلب با ضدانقلاب مورد حمایت اسرائیل است، اما آن بخش که حاوی اطلاعات متوهمانه ضدانقلاب درباره میزان طرفداران رهبر کبیر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و میزبان نیروهای طرفدار ضدانقلاب (پالیزبان) است، به خوبی نشان می‌دهد چرا در نهایت حرکت‌های تجزیه‌طلبانه گروهک‌های ضدانقلاب در کل کشور و سیاست‌های امریکایی‌ها در قبال ایران شکست خورد. همچنین در سند دیگری که در همان زمان توسط یک جاسوس دیگر سفارت امریکا تهیه شده، به موضوع تحلیل نوع حمایت سیاسی کشور شوروی، از خودمختاری ایران در چاه اشاره شده است. در بخشی از این سند آمده است: «در حال حاضر به نظر نمی‌رسد شوروی آمادگی طرح تعهدات واقعی را داشته باشد، بیشتر به این خاطر که هنوز مطمئن نیست انقلاب ایران در چه جهتی پیش می‌رود. آنها نمی‌خواهند دولت کنونی را در انزوا قرار دهند یا آینده حزب توده را با عمل ناپایگانه تباه کنند، بنابراین مسکو احتمالاً کامکان به حمایت از ایده خودمختاری بزرگ در کردها در ایران ادامه خواهد داد، اما پیش از حمایت لفظی، از آن پیش نخواهد رفت.»^(۶)

■ **پیوند تجزیه‌طلبان کرد و خلق مسلماتی‌ها!**

البته یکی دیگر از اسناد جالب لانه جاسوسی درباره تجزیه‌طلبان کرد، مربوط به ارتباط و همبستگی آنها با حزب خلق مسلمان (طرفداران آیت‌الله شریعتمداری) است. در این سند آمده است: «تامست – مأمور سیاسی – بعداً حین صحبت با یک تاجر محلی، به یکی از مواردی که موجب مرگ پاسداران می‌شود، بر خورد کرد. آن تاجر اظهار داشت که دو هلیکوپتر حامل داوطلبان، از تبریز عازم منطقه سفر شده بودند و داوطلبان به محض پیاده شدن از هلیکوپتر، به اسارت درآمدند. گفته می‌شود اسیرکنندگان کرد از داوطلبان پرسیدند که آیا آنها طرفدار شریعتمداری هستند یا خمینی؟ آنها بی که خود را پیرو شریعتمداری معرفی کردند، آزاد شدند و به آنها گفته شد که دیگر در امور کردها دخالت نکنند، آنها بی که خود را طرفدار خمینی معرفی کردند، کشته شدند. در رویداد دیگری که توسط مطبوعات گزارش شده، آمده است که تعدادی از داوطلبان تبریز، توسط شورشیان کرد خلق سلاح شده و اجازه یافته‌اند

به آرامی به خانه‌های خود باز گردند. چند منبع تبریزی به مأمور سیاسی گفته‌اند که کردها با پاسداران انقلاب ترک بهتر از آنچه سزاوار آنهاست، رفتار می‌کردند و این سیاست به آن جهت اتخاذ شده بود که روابط ترک‌ها و کردها را تا حد ممکن دوستانه نگهدارد.»^(۷)

■ **کردهای غیور و اقلیت تجزیه‌طلب**

به طور قطع اکثریت مردمان کرد ایران، چه از اهل سنت و چه شیعه، نه در آن دوره و نه امروز، هیچ دلبستگی‌ای به گروهک‌های تجزیه‌طلب نداشته و ندارند. سند اثبات این موضوع هم، شهدای فراوان پیشمرگ مسلمان کرد ا هم از اهل سنت و هم شیعه است که ردپای آنها را می‌توان در کتاب‌هایی چون «فریاد آزادی» خاطرات علی کلوندی، «عصرهای کریسکان» خاطرات امیرسعیدزاده، «فرنگیس» «طلایه دار معرفت» زندگینامه شهید ملا مصطفی مردوخ‌ی و «یاوران انقلاب» زندگینامه شهدای ایل منگوری به عیان دید.

اما به واقع می‌توان یکی از عوامل طولانی شدن جنایات فرینسی گروهک‌های تجزیه‌طلب را در منطقه کردستان، اشتباهات اساسی دولت موقت و زرمندگانی مسلمان کرد همچون شهید شاخص استان کرمانشاه «سعیدمحمدسعید جعفری» و دوستانش به شدت با تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای نمایندگان دولت موقت مخالف بودند و آن را عامل تشدید بحران در منطق می‌دانستند. چنانچه بهروز همتی از یاران شهید جعفری می‌گوید: «دولت موقت دارپوش فرهرور را به عنوان نماینده حسن نیت به کردستان می‌فرستد، برای مذاکره با سیدعزالدین حسینی و سیدجلال‌الدین حسینی... روش دولت موقت پول دادن به این‌ها بود برای به توافق رسیدن. ۶۰ عملیون تومان به سیدجلال‌الدین پول داده بودند. آقا سعید مخالف بود و می‌گفت این پول‌ها به سلاح تبدیل می‌شود...» که دقیقاً همینطور هم شد و آن پول‌ها تبدیل به سلاح و بلای جان مردم منطقه شد. در مقابل آقا سعید برای حل مشکل، دو نفر از بچه‌های کمیته یعنی بهروز همتی و شهید تعریف را به قم و دیدار امام خمینی فرستاد. ایشان بعد از شنیدن گزارش آنها درباره وضعیت کردستان و مناطق کردنشین، ضمن دلجویی از آنها، ایشان را خدمت شهید آیت‌الله بهشتی می‌فرستد. شهید بهشتی بعد از شنیدن گزارش نمایندگان آقا سعید، با تماس با وزیر بازار گئی وقت، دستور می‌دهد اقلام مورد نیاز مردمان مستضعف منطقه کردستان تهیه و به مدیریت نیروهای آقا سعید، به آنجا ارسال شود. پول هم برای اجاره سوله و انبار، در اختیار آنها می‌گذارد. به این ترتیب به مدت شش ماه، نیازمندان منطقه با کوبن‌هایی که میان آنها توزیع شده بود، اقلام ضروری را به شکل ماهانه دریافت می‌کردند که به میزان زیادی موجب جلب اعتماد مردم به نظام می‌شود، اما متأسفانه بعد از توافق دولت موقت با گروهک‌های تجزیه‌طلب، نیروهای آقا سعید مجبور به ترک شهر و توقف این طرح بسیار خوب می‌شوند.^(۸)

■ **کلام آخر**

امام خمینی(ره) در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ش در پیمایی تاریخی خطاب به مردم کرد فرمودند: «هن از اهالی محترم کردستان تشکر و افر می‌کنم که به تعهد انسانی و اسلامی خود باقی هستند و از آنان تقاضا می‌کنم که از قوای انتظامی اسلامی پشتیبانی کنند و سران این حزب و مفسدین را در منطقه بگیرند... حزب دموکرات کردستان غیر رسمی و غیر قانونی اعلام شد و چون حزب شیطان است، باید تمام اهالی کردستان به وظیفه شرعیه عمل معون نمایند و با قلعیت از توطئه این خیانتکاران جلوگیری و میخفتگاه‌های سران آنان را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند... در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و باهم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیراسلامی را در تطفه خفه کنند.» (صحیفه امام، جلد۹، ص ۳۱۱)

و اینجند کردهای غیور ایران و به ویژه پیشمرگان کرد مسلمان، با بصیرتی مثال‌زدنی، دوشادوش

- ۱- دیار، معارف، تنبیع، ۱۴۵۱، انتشارات حکمت، چاپ اول ۱۳۹۰، صص ۲۷ تا ۲۹
- ۲- زند‌دهن، حسن، «ستان کردستان»، نشر ایرنگردان، چاپ اول ۱۳۷۸، صص ۳۰ تا ۳۵
- ۳- تفسیر، البعز، شیطان کوچک – شیطان بزرگ (خاطرات آخرین نماینده اطلاعاتی موساد در ایران)، چاپ شرکت کتاب(لس آنجلس)، ۲۰۰۷، صص ۲۶ و ۲۷ و ۲۸
- ۴- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «اسناد لانه جاسوسی»، جلد۴، چاپ ۱۳۸۶، صص ۴۵
- ۵- الفت پور، علی، چهل تدبیرآمروزی بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی، انتشارات پرستا، ۱۳۸۹ش، صص ۲۵
- ۶- عزری، منیر، «یادنامه»، جلد اول، چاپ بیت‌المقدس ۲۰۰۰، صص ۱۲۲ و ۱۲۳
- ۷- اسناد لانه جاسوسی، جلد۳، صص ۷۸۶
- ۸- اسناد لانه جاسوسی، جلد۳، صص ۷۸۳
- ۹- اسناد لانه جاسوسی، جلد۳، صص ۷۹۹
- ۱۰- ممتنی – باقری، محمد مهدی – بهنام، «اقا سعید، برگ‌هایی از زندگی وزمانه شهید سیمه‌محمدسعید جعفری»، نشر رها، ر، چاپ اول ۱۴۰۱، صص ۲۹۳، ۲۹۴ و ۲۹۵